روزنامه شرق

سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۳ • ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ • ۲۷ ژانویه ۲۰۱۵

سال دوازدهم • شماره ۲۲۲۲ • ۲۰صفحه • ۱۰۰۰ تومان

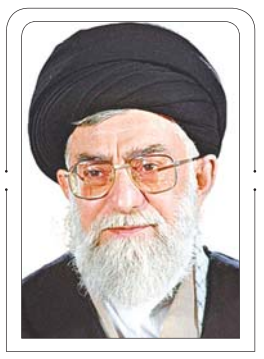

مقام‌معظم‌رهبری:

جوانان قطعا به ثمر نشستن آرمان فلسطین را خواهند دید

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام‌معظم‌رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام‌معظم‌رهبری در دیدار آقای «احمد جبریل»، دبیرکل «جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل)»، مساله فلسطین را در راس مسایل دنیای اسلام خواندند و تاکید کردند...

صفحه ۲

گزارش تحلیلی «شرق» از آینده مناقشه هسته‌ای

روسای جمهور ایران و آمریکا و فرصت تاریخی

گروه سیاست: به پایان ریاست‌جمهوری باراک اوباما، رییس‌جمهوری دموکرات، سیاه‌پوست و مسلمان‌زاده آمریکا، کمتر از دوسال باقی مانده است؛ مردی که انتخابش به‌عنوان رییس‌جمهوری در کشوری با سابقه طولانی نژادپرستی، نماد تغییری بزرگ بود...

صفحه ۱۹

تحلیل حسن‌تاش از وضعیت نفت در سال آینده

سال سقوط نفت

گروه اقتصاد: «سال ۹۴، سال قیمت‌های پایین نفتی است.» این جمله، مهم‌ترین نکته سخنرانی غلامحسین حسن‌تاش، کارشناس برجسته حوزه نفت است که در موسسه دین و اقتصاد بر زبان می‌آورد. دولتمردان اما موضع متفاوتی نسبت به نفت دارند. برخی از مردان کابینه، قیمت نفت را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌دانند و به همین دلیل بر قیمت هر بشکه نفت ۷۲ دلاری تاکید می‌کنند و برخی نیز آن را منطقی می‌دانند و از این‌رو از آن دفاع می‌کنند. حسن‌تاش می‌گوید: «قیمت‌های پایین نفت در بلندمدت، از استراتژی امنیت‌ملی و امنیت انرژی آمریکا حمایت نمی‌کند. به دیگر بیان استراتژی امنیت انرژی آمریکا با قیمت‌های پایین نفت پیش نمی‌رود.» به گفته او، یکی از استراتژی‌های امنیت‌ملی آمریکا این است که شاخص شرکت انرژی یعنی سهم انرژی در اقتصاد مرتبا کاهش پیدا کند. این یعنی بهره‌وری انرژی دایما افزایش پیدا کند که خود مستلزم بالابودن قیمت انرژی است. استراتژی دیگر آمریکا این است که سبد انرژی خود را متنوع کند؛ یعنی سایر منابع انرژی هم به چرخه تولید راه پیدا کنند و وابستگی به نفت و گاز کاهش پیدا کند. این هم مستلزم بالابودن قیمت نفت است زیرا قیمت نفت‌خام شاخص سرمایه‌گذاری در تمام انرژی‌های دیگر هم به‌شمار می‌رود. برای مثال اگر مقاله‌ای بخواهد به بررسی اقتصادی‌بودن یا نبودن تولید برق هسته‌ای در جای خاصی از دنیا بپردازد حتما این مساله با قیمت نفت‌خام ارزیابی می‌شود. پس استراتژی متنوع‌سازی سبد انرژی هم به بالابودن قیمت نفت وابسته است.» این کارشناس برجسته از سیاست دیگر آمریکا می‌گوید که براساس آن، این کشور به‌دنبال کاهش وابستگی نفتی خود به خارج است. استخراج از منابع خود آمریکا نسبت به منابع خلیج‌فارس پرهزینه است و به‌صرفه‌بودن آن مستلزم بالابودن قیمت نفت است. هر متنی در آمریکا که از مباحث استراتژیک بحث می‌کند بر این نکته تاکید دارد که قیمت نفت نباید از حدی پایین‌تر بیاید. او به تازه‌ترین گزارش در این زمینه اشاره می‌کند که سناریوهای مختلف نفتی را بررسی می‌کند. براساس این گزارش، شرایط مناسب، شرایطی است که قیمت هر بشکه نفت در آن بین صد تا ۱۱۰دلار باشد. بنابراین با این نگاه می‌توانیم بفهمیم که وضعیت فعلی بازار نفت چندان طولانی‌مدت نخواهد بود.

صفحه ۵ را بخوانید

در همین زمینه

بیل کانرلی، تحلیلگر ویژه قیمت نفت در مجله فوربس می‌گوید از اواسط سال ۲۰۱۵ میلادی به تدریج منحنی رشد اقتصادی از منحنی میزان مصرف نفت، فاصله بیشتری پیدا می‌کند؛ به بیان ساده‌تر، این احتمال می‌رود که در سال جاری میلادی قیمت نفت مجددا افت کند.

نایب‌رییس مجلس آلمان در گفت‌وگو با «شرق»:

چند قدم بیشتر تا توافق نمانده

• صفحه۶

عکس: رنوفه رستمی، شرق

دواتگری در گفت‌وگو با «شرق»:

احمدی‌نژاد بداند هیچ‌کس خط قرمز نظام نیست

صفحه ۳

تیترها

کوبانی آزاد شد

صفحه ۸

وزیر اقتصاد اعلام کرد

تنزل قیمت نفت به کمتر از ۴۰دلار

صفحه ۴

حزب سیریزا در انتخابات یونان پیروز شد

علیه کاساندراهای اروپا

با یادداشتی از کمال اطهاری در همین صفحه

صفحه ۸

استاد ایرانی دانشگاه امپریال کالج لندن خبر داد

دریاچه ارومیه گرفتار سندرم «آرال»

صفحه ۱۷

گزارش یک استقبال

«کی‌روش» با تشویق آمد با «سلفی» رفت

صفحه ۱۸

سرمقاله

محکومیت ظریف یا رحیمی؟

صادق زیباکلام . استاد دانشگاه تهران

نیازی به یک‌مطالعه میدانی وسیع نبود؛ حتی یک‌نظرسنجی ساده و ابتدایی هم می‌توانست نشان دهد برای بسیاری از مردم، قدم‌زدن آقای ظریف با جان کری در جریان مذاکرات هسته‌ای، خیلی‌خیلی بیشتر حایزاهمیت بود تا خبر محکومیت معاون‌اول رییس دولت سابق. به همین دلیل هم برخی اصولگرایان به جای پرداختن به موضوع محکومیت آقای رحیمی، به موضوع محکومیت بسیار مهم‌تر حرکت دکتر ظریف پرداخته‌اند. درست قضیه هم همین بود. نه به واسطه آنکه مردم اینگونه فکر می‌کنند بلکه به واسطه آنکه اساسا از نظر مصالح و منافع ملی هم این دوخبر دارای وزن و اهمیت بسیار متفاوتی هستند. دومی اساسا اهمیتی نداشت. یکی از مسوولان ارشد دولت گذشته مرتکب خطایی بسیار جزیی شده، دادگاه رسیدگی را صورت داده و او را مجرم شناخته است. حکم محکومیت نیز به وی ابلاغ شده و عن‌قریب به زندان خواهد رفت. اموالی را هم که از بیت‌المال برده بود ظاهرا بازگردانده شده و نگرانی از این بابت نیست. از نظر سیاسی هم این خبر، وزن چندانی ندارد. یعنی فی‌الواقع به اصولگرایان، ارتباط چندانی پیدا نمی‌کند که آنها مجبور شوند موضوع مهم و حیاتی قدم‌زدن ظریف با کری را کنار بگذارند و بروند سر وقت موضوع پیش‌پاافتاده محکومیت آقای رحیمی. اساسا معاون اول احمدی‌نژاد، ارتباط چندانی با اصولگرایان پیدا نمی‌کند! خود احمدی‌نژاد و آن هشت‌سال هم به اصولگرایان ربطی ندارد چه رسد به معاون اول ایشان. دلایل زیادی وجود دارد که رحیمی اساسا ارتباطی با مدیریت اصولگرایان بر کشور در سال‌های۸۴ تا ۹۲ پیدا نمی‌کند. اولین و مهم‌ترین آن، این بود که او ۲۰سال پیش در دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی استاندار کردستان بوده است. بنابراین اگر قرار است کسی پاسخگوی محکومیت آقای رحیمی باشد، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام است که چندسال پیش، رحیمی را استاندار کرده بود. از نظر اصولگرایان، اینکه آقای رحیمی پول‌هایی را که غیرقانونی برداشت کرده بود به چه افرادی و در کدام نهاد داده و آن پول‌ها برای چه اهدافی هزینه شده‌اند، خیلی مهم نیست. مهم آن است که چرا آقای هاشمی‌رفسنجانی، بیست‌وچندسال پیش پای این فرد را به قوه‌مجریه کشور باز می‌کند؟ تازه همه اینها در صورتی است که روی طرح موضوع استعفای آقای رحیمی اصراری وجود داشته باشد. اما با توجه به اینکه اساسا این موضوع نه از نظر سیاسی، نه اقتصادی و نه بعد اجتماعی اهمیت چندانی ندارد و مردم هم به آن توجهی نکرده‌اند، بنابراین اصولگرایان نیز خیلی به آن نپرداختند. از دید آنان همان‌طور که گفتیم مساله بااهمیت روز، این بوده که چرا آقای ظریف چند دقیقه‌ای با همتای آمریکایی خود، مذاکرات را در حالت قدم‌زدن و نه در پشت یک میز، دنبال کرده است؟ موضوع بعدی حایز اهمیت، باز از دید اصولگرایان این بوده که با توجه به اینکه ناشر هفته‌نامه «شارلی‌ابدو» دولت فرانسه است، چرا ظریف در این شرایط به آن کشور رفته تا حقوق قانونی ملت ایران را بر سر مساله هسته‌ای به غرب دوباره گوشزد کند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت . علم

رنج بی‌خوابی

عبدالرحمن نجل‌رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

بی‌خوابی مزمن در میان نویسندگان شایع است. درباره رنج بی‌خوابی فراوان نوشته شده است. «هنری کلرمن»، پژوهشگر بی‌خوابی در دانشگاه نیویورک می‌گوید تشدید احساس جدایی و تنهایی در هنگام بی‌خوابی می‌تواند موجب بروز هیجان خشم در مقابل نواقص شرایط زیست و برخورد انتقادآمیز با آن شود. درواقع آنچه نویسنده را لجوجانه و خشمگینانه با وجود میل به خواب معمول شبانه بیدار نگه می‌دارد، خود استعاره‌ای برای خلق دنیایی جایگزین و دلخواه در ادبیات و هنر می‌شود. اغلب بی‌خوابی با هیجان ترس از خواب همراه است؛ ترسی که چون نگهبانی از بیداری و هوشیاری در مقابل دنیایی لبریز از خشونت، آشوب و مرگ، پاسداری می‌کند. همان ترسی که «فرانتس کافکا» را با وجود فشار و تنش شدید نیاز به خواب، بیدار نگه می‌دارد. این رنج بی‌خوابی در رمان صد سال تنهایی «گابریل گارسیا مارکز» جلوه‌ای کافکایی پیدا می‌کند. دهکده فاکوندو با حمله بی‌خوابی جمعی مواجه می‌شود. ابتدا مردم خوشحالند چون وقت بیشتری برای تولید زیادتر دارند. ولی به‌تدریج همه دچار فراموشی می‌شوند و وقتی واقعیت‌های بدیهی را نیز به‌یاد نمی‌آورند، شروع به ساختن واقعیت‌های خیالی می‌کنند. تا اینکه اکسیر خواب و خاطر، با مسافری مجددا به دهکده برمی‌گردد. بی‌خوابی برای «ارنست همینگوی» و «اسکات فیتز جرالد» نیز دردی زجرآور و استعاره‌ای دایمی از تنهایی و جدایی و بی‌معنایی و پوچی بعد از جنگ بود. نویسنده‌ای که اعتماد ندارد و می‌ترسد بخوابد تا دیگر نتواند کنترلی در ایجاد نظم و تسلط بر آشفتگی‌ها و پریشانی‌های زندگی و جهان‌زیست خود داشته باشد. برای «همینگوی» بی‌خوابی چون حمله شبانه حیوانی وحشی است که او را تا صبح در جدال با خود نگه می‌دارد. «فیتز جرالد» از اثر تخریبی خصمانه بی‌خوابی در جلوگیری از خلاقیت و نوشتن می‌گوید، همانطور که «کافکا» نیز از آن شکایت دارد.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت

قلب‌ها را مراعات کنید

محمدعلی زم
فعال فرهنگی

حضرت «مشفق» کاشانی، شاعر غزلسرای معاصر هم، در جمع یاران و هموندان خودش در خانه شاعران ایران آرام گرفت. یاد گذشتگان و خاطره‌گویی از هم‌باوران و هم‌یاران شعر انقلاب همچون سپیده کاشانی، طاهره صفارزاده، مهرداد اوستا، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و... برای همگانی که آن دوران را سپری کرده‌اند، سراسر یادآور شیرینی‌هاست؛ روزهای سخت انقلاب که هیچ مادیت و مزیتی در کار و چنته نبود و هیچ‌وجه و رتبه‌ای بر دوش و دیوار کسی نبود و هیچ زمین و مدرک و حقوق مادام‌العمر و هیچ ویلا و برج و صدارتی برای شعرسرودن و همراهی با انقلاب نبود. هرکس باید جانش را در دست می‌گرفت و به خیابان و اداره و مدرسه و مسجد و دانشگاه و راهپیمایی و حوزه و حجره می‌آمد تا حرف خدا، حرف مردم و باور به یک راه را درهم بیامیزد و از آن سخن بگوید و سبد جانش را ضامن صحت کلامش به‌دست بگیرد و تقدیم جست‌وجوگر آن کند. روزهایی که انقلاب شعر، مجله، قصه، رمان، نقاشی، مجسمه، سینما، نمایش، گرافیک و کاریکاتور هنرمندان مدافع چندمیلیاردی نداشت. و نه کسی جرات می‌کرد در مخیله خود، موسیقی بنوازد و نه کسی شجاعت آهنگسازی برای مخیلات و ذهنیات خویش را داشت، سینماها به جرم آن‌گونه‌بودنشان و سازها به جرم کارکرد نزدیک حرامشان، در صندوق‌خانه‌ها استتار! و تا هم اینک هم جرات خودنمایی نیافته‌اند و فقط با برخورداری از مزیت لطف! صدای خود را به صدا درآوردند! مردان و زنان شعورمند و فرهنگ‌مداری بودند که در خفا و از ترس جور بدفهمان، از کلیتی به نام هنر، دم می‌زدند. ساختمانی در خیابان کاخ آن روز و فلسطین امروز در اختیار گرفتند تا بساط هنری را برپا کنند که دیری نگذشت این سهم برای هنر، گران! آمد و فرمان تخلیه زورکی آن صادر شد. نیمچه شاعران پناه‌جو و نیمه شعرهای از نفس پرپده، سرگردان یافتن مأوایی بودند.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول . جهان

مهار اسب وحشی سرمایه‌داری

کمال اطهاری

یونانی‌ها دوبار تراژدی را ابداع کردند؛ بار اول چندسده پیش از میلاد در عرصه ادبیات و یکی در قرن بیست‌ویکم در عرصه اقتصاد. اگر تراژدی باستانی ناشی از سرنوشتی بود که خدایان المپ برای آنها تعیین می‌کردند، تراژدی قرن بیست‌ویکم را خدایان سرمایه به‌صورت بحران اقتصادی برای آنها رقم زدند. پیرو بحران در ۱۰ساله گذشته، پنج‌برنامه ریاضتی بر یونانی‌ها تحمیل شد که به تورم بالا، بیکاری فراگیر و مشکلات اقتصادی بیشتر منجر شد؛ مشکلاتی که نشان‌دهنده ناکارآمدی نظم نوین جهانی سرمایه‌داری است. این نظم نوین جهانی در اواخر دهه۸۰ با اجماع واشنگتنی آغاز شد و در ادامه تقسیم‌کار جدید جهانی را بر کشورهای پیرامونی تحمیل کرد و یونان در حلقه اول این کشورهای پیرامونی بود. در این تقسیم کار جدید که نئولیبرال‌ها و نئوکان‌ها حامل آن بوده و هستند، اقتصاد ملی باید تحت‌فرمان سرمایه مالی جهانی درمی‌آمد.

ادامه در صفحه ۸

شرق با همکاری انتشارات پیام امروز منتشر می‌کند

شانه بر موی سپید

روایت‌ها و گفتارهایی از ماندگاران فرهنگ ایران

پژمان موسوی

هنرمند گرامی
جناب آقای سیدشهاب‌الدین حسینی
ضایعه درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض می‌کنیم. خداوند متعال به شما و خانواده محترم‌تان صبر جزیل عنایت فرماید.
روزنامه شرق

معرفی آژانسهای مسافرتی هتلها و مراکز گردشگری

هاکوپیان

با اولین خرید به جمع مشترکین هاکوپیان بپیوندید و از ۲۰ الی ۲۵ درصد تسهیلات خرید ویژه مشترکین بهره‌مند شوید، جهت اطلاع از میزان تسهیلات به سایت ذیل مراجعه فرمایید.

HACOUPIAN.NET

سازمان آگهی های روزنامه شرق

۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۰۴۶۸